

کاربرد دو نظریه آموزشی در کلاس درس: نظریه ساخت گرا، نظریه یادگیری اجتماعی

فروغ رفیعی^۱

چکیده

تدریس امری پیچیده است که نیاز به چارچوبی معین دارد. در صورت عدم وجود یک چارچوب مشخص، عقاید ذهنی و شخصی بر امر آموزش حاکم می شود. نظریه های آموزش و یادگیری، چارچوب مدونی را برای آموزش فراهم می کنند. این مقاله دو نظریه ساخت گرا و یادگیری اجتماعی را توصیف کرده و کاربرد آن ها را در کلاس درس توضیح می دهد. در نظریه ساخت گرا اعتقاد بر این است که دانش، از فردی به فرد دیگر قابل انتقال نیست و باید توسط هر شخص دوباره ساخته شود. اعتقاد نظریه یادگیری اجتماعی بر این است که یادگیری در یک زمینه اجتماعی روی می دهد و افراد از طریق مشاهده، تقلید و الگوبرداری از یکدیگر می آموزند. کاربرد این نظریه ها در کلاس درس به اساتید امکان می دهد تا پایه دانش مشترک و زبان مشترکی برای آموزش داشته باشند.

واژه های کلیدی: نظریه ساخت گرای مبنی بر شناخت، نظریه ساخت گرای مبنی بر اجتماع، نظریه یادگیری اجتماعی.

^۱. عضو هیئت علمی و دانشجوی دکتری، دانشکده پرستاری و مامائی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران (مؤلف مسئول)

مقدمه

درک شیوه یادگیری می تواند به معلمین کمک کند تا فعالیت های آموزشی خود را سازماندهی کنند (Leonb, ۲۰۰۰). اما باید توجه داشت که تدریس امر پیچیده ای است و با توجه به شیوه های یادگیری متفاوت می باشد (Richard, ۱۹۹۶). اداره فعالیت های تدریس و یادگیری نیاز به چارچوبی معین دارد. در صورتیکه چارچوب مشخصی وجود نداشته باشد، عقاید ذهنی و شخصی برتری می یابد و مادامی که تدریس به عنوان یک شکل هنری مرموز و بدون تعریف مشخص وظایف و صلاحیت ها در نظر گرفته شود، اجتماع بزرگتر با بی اعتمادی و شک به آن خواهد نگرست (قورچیان، ۱۳۷۹). Marzano و همکاران، ۱۹۸۸ در کتاب ابعاد تفکر متذکر می شوند که وجود یک چارچوب، به متخصصین امکان می دهد تا پایه دانش مشترک و زبان مشترکی برای آموزش داشته باشند.

با توجه به لزوم وجود چارچوبی برای یادگیری، نویسنده در چند سایت معروف آموزشی به جستجو پرداخته و دو نظریه را که خود نیز در کلاس های کارشناسی ارشد از آن استفاده کرده و پس از ارزشیابی نحوه تدریس، شاهد پیآمدهای مطلوب آن بوده است (رفیعی، ۱۳۸۰) انتخاب و به بحث در مورد آن ها پرداخته است. این دو نظریه عبارتند از نظریه ساخت گرا (Constructivist theory) و نظریه یادگیری اجتماعی (Social learning theory). امید است کاربرد این نظریه ها در کلاس های پرستاری بتواند آغازگر تحولی در تدریس مدون باشد.

نظریه ساخت گرا

رویکرد ساخت گرا نسبت به آموزش و یادگیری از کار روان شناسان و مدرسینی چون Bruner, Lev Vygotsky و Gagne و Semiotic منشا گرفته است (Piaget, ۲۰۰۰). نظریه های ساخت گرا همانند نظریه های رفتارگرا (Behavioristic) و شناخت گرا (Cognivistic) شکل های متنوعی به خود می گیرند. نظریه ساخت گرا دانش را به عنوان تمامیتی ساخته شده می پندارد که همه فراگیران از طریق فرایند یادگیری به آن دست می یابند. بنابراین دانش نمی تواند از فردی به فرد دیگر منتقل گردد و بایستی توسط

هر شخص بازسازی شود. به طور اساسی، این نظریه ها به دو صورت "نظریه های ساخت گرای مبنی بر شناخت "Cognitive oriented constructivist theory" و "نظریه های ساخت گرای مبنی بر اجتماع" Socially oriented constructivist theory وجود دارند نظریه های مبنی بر شناخت برای تشریح و توضیح فرایند یادگیری به تفحص و اکتشاف از جانب هر فراگیر تاکید دارند. در این دیدگاه، دانش پدیده ای بسیار نمادی و روانی در ذهن فرد است. نظریه های ساخت گرای مبنی بر اجتماع، بر کوشش های جمعی و توأم با همکاری گروه فراگیران به عنوان منابع یادگیری تاکید می کنند (Jonassen, ۲۰۰۰). Jonassen (۱۹۹۴) هشت مورد را به عنوان دیدگاه مشترک نظریه های فوق بر می شمارد:

۱. محیط های یادگیری ساخت گرا امکان می دهند تا واقعیت ها از ابعاد گوناگون نشان داده شوند.
۲. مشخص شدن ابعاد گوناگون واقعیت، از ساده سازی بیش از حد جلوگیری کرده و پیچیدگی دنیای واقعی را نشان می دهد.
۳. محیط های یادگیری ساخت گرا به جای تکثیر دانش و رونوشت برداری از آن، بر ساخت دانش تاکید دارند.
۴. محیط های یادگیری ساخت گرا، به جای آموزش انتزاعی و خشک بر کاربردهای معنی دار تاکید دارند.
۵. محیط های یادگیری ساخت گرا، به جای آموزش های معمول و از پیش تعیین شده، محیط های واقعی یا یادگیری مبنی بر مورد Case-based learning را فراهم می کنند.
۶. محیط های یادگیری ساخت گرا، تفکر عمیق در مورد تجارب را تشویق می نمایند.
۷. محیط های یادگیری ساخت گرا، "شناخت دانش زمینه ای و وابسته به زمینه" (Context and context dependent knowledge) را میسازد.
۸. محیط های یادگیری ساخت گرا، کمک می کند تا فراگیران از طریق مباحثات اجتماعی، دانش را به طور مشترک کسب کنند، نه اینکه برای کسب دانش با یکدیگر به رقابت برخیزند.

خلاصه مطالب مهم

در یک کلاس معتقد به نظریه ساخت گرا:

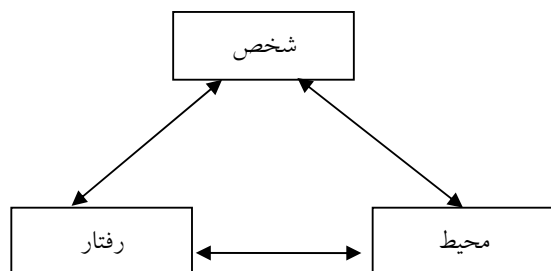
- قوه ابتکار و استقلال فراگیر پذیرفته شده و تشویق می شود.
- معلمین به وسیله احترام به عقاید فراگیران و تشویق تفکر مستقل، به آنان کمک می کنند تا هویت عقلانی خود را دریابند.
- فراگیرانی که سئوالات و موضوعاتی را معین می کنند و سپس در پی تجزیه و تحلیل و پاسخ دادن به آن ها بر می آیند، مسئولیت یادگیری خود را به عهده گرفته اند و به یک حلال مسئله تبدیل می شوند.
- معلم سئوالات را باز می پرسد و برای پاسخ دادن به آن ها وقت می دهد.
- تفکر منطقی وقت می برد و اغلب براساس عقاید و نظریات دیگران ساخته می شود. طریقه مطرح کردن سئوال از جانب معلمین و راههای پاسخگویی فراگیران، موفقیت تحقیقی دانشجو را تعیین می کند.
- سطح بالای تفکر تشویق می شود.
- معلم فراگیران را به چالش وامی دارد تا به وراء پاسخگویی به حقایق ساده برسند. وی دانشجویان را تشویق می کند تا به وسیله تجزیه و تحلیل، پیش بینی، تعدیل و دفاع از عقاید خود، مفاهیم را به هم متصل کرده و خلاصه کنند.
- فراگیران با یکدیگر و با معلم گفتگو می کنند.
- سخنرانی های اجتماعی به فراگیران کمک می کند تا عقاید خود را تغییر داده یا تقویت کنند. گفتگوی معنی دار در کلاس درس تنها زمانی وقوع می یابد که فراگیران در بیان عقاید خویش احساس راحتی کافی داشته باشند.
- فراگیران به تجاربی دست می زنند که فرضیه هایی را مطرح کرده و بحث را تشویق کند.
- وقتی به دانشجویان امکان داده شود حدس بزنند، اغلب فرضیه های مختلفی در مورد پدیده های طبیعی خلق می کنند. معلم فرصت های فراوانی را برای آزمون فرضیه های فراگیران، خصوصا از طریق بحث گروهی در مورد تجارب آن ها فراهم می کند.
- کلاس از داده های خام، منابع اولیه و وسایلی که بتوان آنرا دستکاری کرد استفاده می کند.
- رویکرد ساخت گرا، فراگیران را درگیر امکانات و احتمالات دنیای واقعی می کند و سپس به آنان کمک می کند تا پدیده ها را به هم پیوند دهند (University of Colorado, ۲۰۰۰).

بنابراین می توان گفت این رویکرد معتقد است که هر فرد بیش از اینکه دانش را از دیگران دریافت کند خود آن را می سازد. آموزش ساخت گرا بر این باور است که فراگیران وقتی بهتر یاد می گیرند که دانش خود را از طریق تفحص و یادگیری فعال به دست آورده باشند (Mac Brient و Brandt, ۱۹۹۷).

نظریه ساخت گرا دارای کاربردهای مهمی در آموزش است. ابتدا این که معلمین معتقد به این نظریه، نباید علم را به فراگیران منتقل کنند بلکه بایستی فرصت ساخت دانش را برای آنها فراهم نمایند. دوم آنکه، چنانچه یادگیری بر اساس دانش قبلی استوار باشد، معلمین باید به آن دانش توجه داشته و صحت و درستی آن را بیازمایند. مورد سوم این که چنانچه لازم باشد فراگیران، از دانسته های فعلی خود برای ساخت دانش جدید در موقعیت های تازه استفاده کنند، معلمین بایستی آنان را در یادگیری درگیر سازند و آن دانسته را مشخص نمایند و آخرین نکته اینکه چون دانش جدید بصورت فعال ساخته می شود، بنابراین ساخت آن نیازمند زمان است و باید وقت کافی برای ساخت دانش به فراگیر داده شود (Sedl, ۲۰۰۱). چنانچه معلمی بخواهد از نظریه Vygotski استفاده کند، لازم است اصول زیر را در نظر داشته باشد:

۱. یادگیری و تکامل، یک فعالیت اجتماعی توأم با همکاری و هماهنگی است.
 ۲. یادگیری باید در زمینه ای پرمعنی صورت پذیرد و از یادگیری و دانشی که فراگیران در " دنیای واقعی " کسب می کنند جدا نباشد.
 ۳. تجارب خارج از دانشکده بایستی با تجربه آموزشی فراگیر ارتباط یابد (Vygotski, ۲۰۰۰).
- برای آموزش از طریق نظریه ساخت گرای اجتماعی، استفاده از ابزارهای ارتباطات راه دور مثل پست الکترونیک و اینترنت توصیه شده است چون بحث و مناظره دوسویه را فراهم کرده و منجر به درک مفهوم اجتماعی معانی می شود. این ابزارها به درک فرهنگی نیز کمک می کند. همچنین استفاده از شبیه سازی ها (Simulations) می تواند به وسیله قرار دادن آموختنی در زمینه فعالیت های دنیای واقعی، یادگیری را پرمعنی کند (Vygotsky, ۲۰۰۰).

را که به تازگی یادگرفته بود نشان داد، با واکنش کلاس تقویت شد. موارد فوق نشانگر آن است که دیدن رفتار خودمان و دیگران، با محیط تعامل ایجاد کرده و بر بازنمایی شناختی ما از جهان تاثیر می گذارد.



فرآیندهایی که یادگیری مشاهده ای یا الگوبرداری موثر را تحت لوای خود قرار می دهند عبارتند از:

- توجه (Attention): مشتمل بر رویدادهای الگو شده (یعنی تمایز مدل، جاذبه عاطفی، پیچیدگی، رواج و ارزش کارکردی آن) و مشخصات مشاهده کننده (یعنی ظرفیت های حسی، انگیزندگی، آمایه ادراکی، و تقویت قبلی) (Bandura, ۲۰۰۱) است.
- به عبارت دیگر، مشاهده کننده مدل باید به مشخصات مربوط به آن توجه نماید (Rutledge, ۲۰۰۱ و EDCI, ۲۰۰۱).
- یادداری (Retention): شامل رمز گردانی نمادی (Symbolic Coding)، سازماندهی شناختی، تمرین نمادی، تمرین حرکتی است (Bandura, ۲۰۰۱). به عبارت دیگر، مشاهده کننده بایستی بازنمایی های شنیداری و یا دیداری الگو را رمزگردانی کرده و به یاد بسپارد. روش تمرین و تکرار راهی برای افزایش به خاطر سپاری، (Rutledge, ۲۰۰۱ و EDCI, ۲۰۰۱) است.
- بازسازی حرکتی (Motor Reproduction): شامل قابلیت های فیزیکی، خود مشاهده گری بازسازی، صحت بازخورد می باشد. به عبارت دیگر، مشاهده کننده باید قادر باشد رفتار الگو را از نظر فیزیکی تولید کند (EDCI, ۲۰۰۱). این بدان معناست که مشاهده کننده قادر باشد آن عمل را دوباره انجام دهد. این امر می تواند در فراگیری که از نظر تکاملی برای انجام آن عمل آماده

نظریه یادگیری اجتماعی

نظریه یادگیری اجتماعی بر یادگیری انجام شده در یک زمینه اجتماعی تمرکز دارد. طبق این نظریه مردم از طریق مفاهیمی مشتمل بر یادگیری مشاهده ای، تقلید و الگوبرداری از یکدیگر یاد می گیرند (Rutledge, ۲۰۰۱). بنابراین نظریه Albert Bandura بر اهمیت مشاهده و الگوبرداری از رفتارها، نگرش ها و واکنش های عاطفی دیگران تاکید دارد. Bandura اظهار می کند، "اگر افراد مجبور باشند برای اطلاع از آنچه باید انجام دهند تنها به تاثیرات اعمال خودشان تکیه کنند، یادگیری اگر مخاطره آمیز نباشد، بی نهایت دشوار و رنج آور خواهد شد (Bandura, ۲۰۰۱).

اصول کلی نظریه یادگیری اجتماعی به شرح زیر است:

- اشخاص می توانند از طریق مشاهده رفتار دیگران و نتایج آن رفتارها را یاد بگیرند.
- یادگیری می تواند بدون تغییری در رفتار صورت پذیرد.
- فرایندهای شناختی در یادگیری نقش دارند اما کاملاً مسئول یادگیری نیستند (Rutledge, ۲۰۰۱ و EDCI, ۲۰۰۱).
- تقویت، در یادگیری نقشی ایفا می کند اما کاملاً مسئول یادگیری نیست (EDCI, ۲۰۰۱). در کل، آگاهی یا انتظار تقویت در آینده می تواند اثر عمده ای بر رفتارهایی که افراد نشان می دهند داشته باشد.
- نظریه یادگیری اجتماعی می تواند به عنوان پلی بین نظریه های رفتاری و شناختی یادگیری در نظر گرفته شود (Rutledge, ۲۰۰۱).

حال به مثالی در این مورد توجه کنید:

Donnelle, Mitch را در حالی که ساختار جمله ای را در پایان ساعت کلاس انگلیسی روز سه شنبه روی تابلو می نویسد تماشا می کند. در طول کلاس انگلیسی روز چهارشنبه، Mitch برای ترسیم ساختمان یک جمله به پای تخته خوانده می شود. وی آنچه را که Donnelle در روز گذشته انجام داده بود به یاد می آورد و ساختار جمله را ترسیم می کند. کلاس برای Mitch کف میزند و احساس خوبی به او دست می دهد. وی کار Donnelle را مشاهده کرده بود و با اینکه کار یاد گرفته شده را تا روز بعد انجام نداده بود، یاد گرفته بود که چگونه ساختار جمله را ترسیم کند. وقتی Mitch این مهارت

مثل دانشجوی برجسته کلاس الگوبرداری کرده باشد. معلم، مشاهده کننده را برای الگوبرداری از چنین رفتاری تشویق می کند و بنابراین آن رفتار تقویت می شود.

۳. رفتار تقلید شده، خود منجر به نتایج تقویت کننده می شود- فراگیری که کار شاگرد دیگری را برجسته می بیند ممکن است همان کار را انجام داده و از آن خوشنود شود.

۴. نتایج رفتار الگو شده، به طور نیابتی بر رفتار مشاهده کننده اثر می کند- به این امر، تقویت نیابتی می گویند. بعبارت دیگر، اشخاص می توانند رفتار شناخته شده ای را بیشتر نشان دهند، چون مشاهده کرده اند که فرد دیگر به خاطر آن تشویق شده است.

۵. اشخاص می توانند یاد بگیرند که رفتار شناخته شده ای را کمتر نشان دهند- چون مشاهده کرده اند که فرد دیگر به خاطر آن تنبیه شده است. به این مورد، تنبیه مشاهده ای می گویند. (Vicarious reinforcement)

در سال های اخیر، Bandura کار خود را بر مفهوم خود-اثر بخشی (Self- efficacy) در زمینه های متعدد متمرکز کرده است (Bandura, ۲۰۰۱). Bandura در زمینه خود-اثر بخشی می نویسد: وقتی اشخاص معتقدند، قادر خواهند بود برخی فعالیت ها را به طور موفقیت آمیز انجام دهند، احتمال بیشتری دارد که به آن مبادرت ورزند. این بدان معناست که خود-اثر بخشی بالایی دارند. خود-اثر بخشی می تواند به عنوان اعتماد به نفس نسبت به یادگیری تلقی شود (Rutledge, ۲۰۰۰ و EDCI, ۲۰۰۱).

یکی دیگر از مواردی که در یادگیری اجتماعی مورد تاکید زیادی قرار گرفته خود گردانی است (Self regulation) و آن هنگامی است که فرد، خود عقایدی در مورد رفتار مناسب یا نامناسب دارد و برطبق آن، اعمالش را انتخاب می کند. جنبه های چندی از خود گردانی وجود دارد که عبارتند از:

تنظیم استانداردها و اهداف شخصی: تعیین حدود، مرزها و معیارها برای رفتار خود.

خویشتن نگری (Self- observation):

نگریستن خود در زندگی، تعیین اینکه آیا رفتارهای فعلی فرد در محدوده اهداف و استانداردهای خودساخته وی می باشد؟

نیست مشکل ایجاد کند. به عنوان مثال، کودکان در انجام حرکات فیزیکی پیچیده مشکل دارند.

۴. انگیزش (Motivation): شامل تقویت خارجی، تقویت نیابتی (مشاهده ای) و خود تقویتی است (Bandura, ۲۰۰۱). به عبارت دیگر، مشاهده کننده باید بخواهد رفتار مشاهده شده را انجام دهد (Rutledge, ۲۰۰۱, EDCI).

باید بخاطر داشت که چون این چهار فرایند در افراد، متفاوت است، اشخاص مختلف، رفتار مشابه را به شیوه متفاوتی تولید می کنند (Rutledge, ۲۰۰۱).

الگوها انواع مختلفی دارند. الگو می تواند زنده باشد و آن شخصی واقعی است که رفتار را نشان می دهد. الگو ممکن است نمادی باشد مثل تصویر یک شخص واقعی در تلویزیون، ویدیو، سینما و کتاب یا شخصیت هایی مثل بزرگان دینی. نوع دیگر، الگوی کلامی یا نوشتاری است Verbal(text) Model و آن عبارت است از آموزش ها و تذکرات گفتاری و نوشتاری در مورد چگونه عمل کردن. به عنوان مثال، فراگیر ممکن است معلمی را که در کلاس نقشه محلی را می کشد، فیلمی را که در تلویزیون می بیند یا راهنمایی های کتاب را به عنوان الگو مورد استفاده قرار دهد (Rutledge, ۲۰۰۰, EDCI, ۲۰۰۱). یک الگوی موثر باید از نظر مشاهده کننده شایسته و دارای صلاحیت باشد؛ معتبر و با قدرت (از نظر موقعیت، پول یا احترام) باشد؛ رفتاری مناسب جنس فرد داشته باشد یعنی با مردانگی یا زنانگی فرد هماهنگ باشد و بعلاوه بایستی برای مشاهده کننده ارزش کارکردی داشته باشد (EDCI, ۲۰۰۱). الگوبرداری بر رفتار تاثیر می گذارد و اشخاص می توانند رفتار کاملاً جدیدی را با مشاهده دیگران یاد بگیرند. فرد غالباً برای الگوبرداری رفتار دیگران تقویت می شود. به نظر Bandura محیط نیز الگوبرداری را تقویت می کند. این کار به چندین طریق امکان پذیر است:

۱. مشاهده کننده به وسیله الگو تقویت می شود- به عنوان مثال فراگیری که لباس خود را عوض می کند تا با گروه خاصی از دانشجویان هماهنگ شود، به احتمال قوی مورد پذیرش قرار گرفته و بنابراین توسط گروه تقویت می شود.

۲. مشاهده کننده به وسیله یک شخص سوم تقویت می شود - مشاهده کننده ممکن است از کارکردهای شخص دیگری

عاملی (Operant conditioning) است، الگوبرداری می تواند راه سریع تر و اثربخش تری را برای آموزش رفتار جدید فراهم سازد. معلم برای ارتقاء الگوبرداری مناسب باید مطمئن شود که چهار وضعیت ضروری وجود دارد: یعنی توجه، نگهداری، بازسازی حرکتی و انگیزه.

۴. معلمین باید خود، الگوی رفتارهای مناسب باشند.
۵. معلمین بایستی فراگیران را در معرض الگوهای متنوع دیگری قرار دهند. این فن خصوصا برای درهم شکستن کلیشه های سنتی اهمیت دارد.
۶. فراگیران باید باور داشته باشند که قادرند در انجام وظایف درسی موفق باشند. بنابراین ایجاد حس خود اثر بخشی در آنها مهم است. معلمین می توانند خود اثر بخشی را به وسیله رساندن پیام های سازنده اعتماد به نفس به شاگردان، مشاهده موفقیت دیگران و تجربه موفقیت در خود ارتقاء بخشند.
۷. معلمین باید به فراگیران کمک کنند تا انتظارات واقعی برای آموزش خود داشته باشند.
۸. فنون خود گردانی روش اثربخشی را برای بهبود رفتار فراگیر فراهم می سازد (Rutledge, ۲۰۰۰).

نتیجه گیری

نظریه های ساخت گرای مبنی بر شناخت و مبنی بر اجتماع و همچنین نظریه یادگیری اجتماعی از نظریات مهم یادگیری به شمار می روند که کاربرد آن ها در کلاس درس می تواند در یادگیری و یادداری عمیق تر مطالب، کمک ارزنده ای باشد.

خودداوری Self-judgment : ارزشیابی فرد از خود در سایه استانداردها و اهداف شخصی است. خودواکنشی (Self-reaction): تشویق یا تنبیه خود براساس دستیابی یا عدم دستیابی به استانداردها و اهداف فردی است. عوامل موثر در خود گردانی عبارتند از:

۱. تذکر به خود (Self-instruction): استفاده از گفتگو با خود برای هدایت و تمرکز بر رفتار.
۲. خود سنجی (Self-monitoring) : مشاهده و سنجش رفتار خود.
۳. خود تشویقی و خود تنبیهی: وقتی فرد خودش خود را تشویق یا تنبیه می کند (اغلب به اندازه تشویق یا تنبیه خارجی موثر است).
۴. خود کنترلی محرک Self-imposed Stimulus Control: آفریدن یا انتخاب محیط هایی که رفتار مطلوب را تقویت یا رفتار نامطلوب را کاهش می دهد.

مثال: دانشجویی که دوست دارد بیشتر مطالعه کند تصمیم می گیرد رفتار خود را تغییر دهد (خود گردانی)، او رفتار خود را در طول یک هفته بررسی می کند و متوجه می شود که مطالعه کمی دارد (خود سنجی). تصمیم می گیرد شبی ۲ ساعت مطالعه کند و اگر این کار را کرد خودش را با یک بستنی تشویق کند (خود تقویتی و خود سنجی) و اگر این کار را نکرد وقت تلفن خود را حذف نماید (خود تنبیهی و خود سنجی). او می داند که دوست ندارد در خانه مطالعه کند، بنابراین تصمیم می گیرد هر شب برای مطالعه به کتابخانه برود (خود کنترلی محرک). او هر روز در راه بازگشت از مدرسه به خانه به خود یادآوری می کند که باید به تعهد خویش پایبند باشد و مطالعه کند (تذکر به خود) (EDCI, ۲۰۰۱).

نظریه یادگیری اجتماعی دارای اشارات ضمنی زیادی برای استفاده در کلاس درس است:

۱. فراگیران اغلب به وسیله مشاهده دیگران چیزهای زیادی یاد می گیرند.
۲. توضیح دادن و بیان نتایج رفتار می تواند رفتارهای مناسب را به نحو اثربخشی افزایش داده و موارد نامناسب را کاهش دهد.
۳. الگوبرداری، جایگزین شکل دهی، جهت آموزش رفتارهای جدید است. بجای استفاده از شکل دهی که شرطی سازی

منابع

- Richard, J.C. 1996. Turning to the artistic: developing an enlightened eye by greating teaching Self- portraits. paper presented at the international conference, Herstmonceux castle, East Sussex, England, August 5-8.
- Rutledge, K. Social learning theory, Available URL:http://teachnet.edb.Utexas.edu/~lynda_abbot/social.htm [Accessed 1/2/2001]
- Piaget, J. "Constructivism"<http://education.indiana.edu/~cep/courses/p540/semcons/semcons- overview.html#cc> [Accessed 11/12/2000].
- Sedl, O. The Practice implications of constructivism. Available URL: <http://www.sed.org/pubs/sedletter/vo9no3/practice.htm> [Accessed 1/2/2001]
- University of Colorado "Constructing Knowledge in the Classroom" <http://www.sed.org/scimath/compass/voino3/welcome.html> [Accessed 1/2/2001]
- Vygotski Lev "Social constructivist theories", Available URL: <http://education.indiana.edu/~cep/courses/p540/vygosc.html> [Accessed 11/12/2000]
- رفیعی فروغ. ۱۳۸۰، ارزشیابی یک شیوه جدید تدریس، اولین کنگره سراسری مراقبت های پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- فورچیان نادرقلی. ۱۳۷۹. جزئیات روش های تدریس. تهران: انتشارات دفتر همکاری های علمی بین المللی وزارت آموزش و پرورش و موسسه فراشناختی اندیشه، صفحات ۲۶-۱۳.
- براهنی محمد تقی و دیگران. ۱۳۶۸. واژه نامه روانشناسی و زمینه های وابسته، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- Bandura, A. Social learning theory. Available URL: <http://www.gwu.edu/~tip/index.html> [Accessed 1/2/2001]
- Bruner, J. Constructivist Theory. <http://www.gwu.edu/~tip/index.html> [Accessed 29/11/2000].
- EDCI 4124"Social Learning Theory", Available URL: [www.tandl.rtu.edu/doolittle/4124/ notes/slt.html](http://www.tandl.rtu.edu/doolittle/4124/notes/slt.html), [Accessed 1/2/2001]
- Leonb Learning and learning theory. <http://hagar.up.ac.za/cats/learner/leonb/learning-and learning-theory.htm>. {Accessed 1/3/2000}
- Jonassen "Constructivism" <http://www.massey.ac.nz/~Alock/virtual/coleryg.htm> [Accessed 11/12/2000].
- Mac Brien, J.L & Brandt, R.S. 1997. The definition of constructivism, the language of learning: A guide to education, Alexandria, Available URL: <http://www.ascd.org.readingroom> [29/11/2001]
- Marzano, R., et al. 1988. Dimensions of thinking, A framework for curriculum & instruction, Available URL: <http://www.ascd.org/readingroom> [Accessed 29/11/2000]

APPLICATION OF TWO EDUCATIONAL THEORIES IN THE CLASSROOM.

Rafyi, F. MS¹

ABSTRACT

Teaching is a complex phenomenon and needs a specific framework. Subjective ideas would dominate in the absence of a predetermined framework. Teaching and learning theories provide a systematic framework for instruction.

This article describes "Constructivist and Social Learning Theories" and explains their applications in practice.

The constructivist school views knowledge as a constructed entity made by each and every learner through a learning process. Thus, knowledge can not be transmitted from one person to the other; it will have to be reconstructed by each person.

The social learning theory emphasizes the importance of observing and modeling the behavior, attitudes and emotional reactions of others. Social learning theory explains human behavior in terms of continuous reciprocal interaction between cognitive, behavioral, and environmental influences.

Application of these theories in classrooms helps teachers to have a shared base of knowledge and a common language for teaching.

Key Words: Cognitive oriented constructivist theory, Socially oriented constructivist theory, Social learning theory.

¹. Senior Lecturer and Doctoral Student, School of Nursing and Midwifery, Iran University of Medical Sciences and Health Services, Tehran, Iran (Corresponding Author).